

معاون اول رئیس جمهور:

دانشجویان با تشکیل هسته‌های مشاوره‌ای به دولت کمک کنند

در صفحه سیاسی بخوانید



■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۷۹۲ ■ سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۰ ■ ۲ جمادی الاول ۱۴۴۳ ■ ۱۶ صفحه

محمدرضا گرایي قهرمان المپیک درگفت‌وگو با «ایران»:

کشتی ایران در جهان سر زبان‌ها افتاده است

در صفحه ورزشی بخوانید



«ایران» گزارش می‌دهد

جزئیات طرح امریکا برای مذاکرات



رئیس جمهور روز گذشته با وزیر خارجه سوریه و مشاور امنیت ملی امارات دیدار کرد

نظم بخشی از خلیج فارس تا مدیترانه

آیت الله رئیسی: امنیت کشورهای منطقه به هم گره خورده است و ایران از امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس حمایت می‌کند

۲

۱۵ کارشناس اقتصادی در گفت و گو با «ایران» عملکرد ۱۰۰ روزه دولت سیزدهم را ارزیابی کردند

در مسیر بهبود اقتصاد

در کارنامه یکصد روزه دولت، رساندن ذخایر کالاها ی اساسی به حد قابل قبول، تأمین حقوق کارکنان دولت بدون استقراض از بانک مرکزی یا خلق پول، توزیع هوشمند کالاهای اساسی و اصلاح ساختار بودجه با رویکرد بودجه بدون کسری دیده می‌شود

۵

گزارش «ایران» از کودو کم تحرکی تشکل‌های دانشجویی

صدای کم رمق دانشجویان در دهه گذشته

۷

پاسخ صریح دستگاه دیپلماسی به گمانه‌زنی‌ها توافق، دائمی و یکباره است

۳

رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد

وضعیت ورود ارز به کشور خوب است

۳



گفت‌وگو: «ایران» بافاطمه سادات میرعلی نویسنده کتاب «حوض خون»

ناگفته‌های ۶۴ راولی از قلب رخت‌شوی خانه رزمندگان

۸

معلم ایلامی برای تدریس به تنها دانش آموز منطقه قح زمستان هم به شلاق می‌رود

از کوچ بازماند، از درس نه

۱۰

کدام پیروزی کدام شکست؟



پژوهشگر روابط بین‌الملل

هفتمین دور از مذاکرات وین که چند روز پیش میان ایران و گروه ۴+۱ برگزار شد، علاوه بر متن خود مذاکرات، حواشی فراوانی هم داشت؛ از علت و چگونگی انتخاب اتریش به عنوان میزبان این دور از گفت‌وگوها تا محتوای پیش‌نویسی که ایران به طرف مقابل برای پیشرفت مذاکرات ارائه داد. از آنجایی که این دور از مذاکرات، اولین دوری بود که تیم جدید در دولت جدید ایران به وین سفر می‌کرد، کسی انتظار به فرجام رسیدن و دستیابی به یک توافق جامع، دقیق و منطبق بر منافع طرفین را نداشت و همین مسأله بیشتر از همیشه، اهمیت رویکردهای رسانه‌ای طرفین را پررنگ کرد.

این مسأله از آنجایی اهمیت مضاعفی پیدا کرد که طرف غربی با مدیریت ایالات متحده آمریکا – هر چند به صورت غیررسمی و غیرحضور در جریان مذاکرات – با این پیش‌فرض به وین آمده بود که تیم مذاکره‌کننده ایران به ریاست دکتر علی باقری، معاون سیاسی وزیر امور خارجه با یک بسته پیشنهادی بسیار تند و دست بالا وارد هفتمین دور از مذاکرات می‌شود و بر همین اساس، اروپایی‌ها خودشان را برای ترک فوری وین و اصطلاحاً «زدن زیر میز مذاکرات» آماده کرده بودند. طراحی اصلی در این زمینه هم مرتبط با Blame Game یا همان مقصر معرفی کردن تهران در به بن‌بست رسیدن مذاکرات بود؛ شرایطی که در آن، قرار بود جمهوری اسلامی ایران به دلیل ارائه یک پیشنهاد بسیار دست بالا و غیرمنطقی از طرف غربی، مقصر برهم خوردن روند شش دور مذاکرات پیشین در اتریش معرفی و با انجام عملیات رسانه‌ای، زمینه برای اعمال فشار بیشتر به کشورمان فراهم شود.

اما چنین اتفاقی نيفتاد. دو پیش‌نویس ارائه شده از سوی تیم ایرانی به طرف ۴+۱ هم به‌طور کامل بر مبنای پیش‌نویس وین ۶ بود و هم روندی منطقی، دیپلماتیک و فنی داشت که باعث شد اروپایی‌ها برای کلید زدن Blame Game متغصل شوند و کار حتی به اتخاذ رویکردهای متناقض درونی و بیرونی – یعنی با واشنگتن – هم برسد. اعلام حمایت قطعی و کامل روسیه و چین از متون ارائه شده ایران برای ادامه مذاکرات از یک‌سو و ناتوانی طرف اروپایی در انکار فنی و دیپلماتیک بودن پیش‌نویس‌های ایران باعث شد تا بعد از ایجاد یک آشفتنی در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اروپایی‌ها، نهایتاً طرف غربی تصمیم بگیرد تا مذاکرات وین ۷ را به‌طور موقت، متوقف و برای کسب تکلیف و رایزنی مجدد به پایتخت‌ها برگردد.

ادامه در صفحه ۳

جزئیات طرح پیشنهادی امریکا برای مذاکرات

محمد کاظمی / یک روز قبل از آغاز دور جدید مذاکرات یعنی هفتم آذرماه، خبرگزاری رویترز در خبری به ابعاد ایده «توافق موقت» با ایران در دور جدید پرداخت.

پیش از آن نیز در روز ۲۶ آبان، خبرگزاری اکسیوس در گزارشی عنوان کرد که مشاور امنیت ملی آمریکا، ایده «توافق موقت» با ایران، با هدف خرید زمان بیش‌تر در مذاکرات هسته‌ای را با همتای اسرائیلی خود مطرح کرده است. طبق این گزارش، طرح انعقاد توافق موقت با ایران توسط یکی از متحدان اروپایی واشنگتن مطرح شده است.

■ سابقه طرح توافق موقت

طرح توافق موقت ایده تازه‌ای نیست. این طرح تاکنون تحت عناوین مختلفی توسط اندیشکده‌ها و مقامات غربی مطرح شده است.

اندیشکده «مرکز امنیت نوین آمریکا (سی‌ان‌آی.اس)» نیز در اس) در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۹ در مقاله «تعامل مجدد با ایران»، از طرحی رونمایی کرد که تا حد زیادی به مفاد همین توافق موقت نزدیک بود.

از این طرح با عنوان «توقف و عقبگرد» یاد شده بود. همچنین اندیشکده «گروه بین‌المللی بحران» نیز در مقاله‌ای که در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ تحت عنوان «بایدن باید درباره برنامه هسته‌ای ایران حدگذاری، توقف و عقبگرد کند» از برجسب «حدگذاری، توقف و عقبگرد» برای توضیح توافق موقت استفاده کرد.

اندیشکده «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل» (سی‌آی.اس.آی.اس) طی نشستی تحت عنوان «آیا توقف در برابر توقف راهی مناسب برای تعامل مجدد با ایران است؟» به بررسی توافقی موقت تحت عنوان «توقف در برابر توقف» به‌عنوان زمینه‌ای برای دستیابی به توافق بلندمدت می‌پردازد.

خبرگزاری رویترز، روز ۲۴ تیر در مقاله‌ای توافق «کم‌تر برای کم‌تر» که همان توافق موقت است را راه‌حل احتمالی تنش به وجود آمده در پی خروج آمریکا از برجام و کاهش تعهدات ایران ذیل ماده ۳۶ برجام دانست.

همچنین «گروه بحران» در مقاله‌ای که در تاریخ ۱۶ آبان ۱۴۰۰ منتشر شد، به اروپا توصیه می‌کند که در قالب «یک توافق موقت»، به تهران پیشنهاد شود که برخی از حساس‌ترین فعالیت‌های خود را در زمینه اشاعه، مانند غنی‌سازی اورانیوم بالای ۳/۶۷ درصد و کار پیشرفته سانتریفیوژ یا تولید فلز اورانیوم را در ازای تخفیف محدود از تحریم‌های فروش نفت و با دسترسی به دارایی‌های

مسدود شده به حالت تعلیق درآورد. گروه بحران نام این طرح را «برجام منفی» می‌گذارد.

■ ابعاد احتمالی توافق موقت

بررسی یادداشت‌های تولیدشده در اندیشکده‌ها و تارنماهای خبری غربی تا حد خوبی از ابعاد و مفاد طراحی‌شده از سوی آمریکا برای توافق موقت پرده‌برداری می‌کند. مهم‌ترین تعهدات مطرح‌شده برای ایران شامل توقف غنی‌سازی با درصد بالا و تعهد به اجرای تمام اقدامات شفاف‌ساز (بازرسی‌ها و نظارت‌ها) می‌شود. از سوی دیگر، تعهدات مطرح‌شده برای آمریکا عبارتند از تخفیف محدود در تحریم‌های فروش نفت و اجازه دسترسی محدود ایران به بخشی از دارایی‌های مسدودشده.

■ اهداف امریکا از ارائه ایده توافق موقت

طرح توافق موقت چهار هدف را دنبال می‌کند: هدف اول، خرید زمان برای آمریکا با هدف به سرانجام رساندن فرایند بازپخت تحریم‌ها و تقویت اثرگذاری مجدد آن بر اقتصاد ایران است. میزان کارآمدی ابزار تحریم بر کشور هدف در طول زمان، ماهیتی نوسانی و سینوسی دارد. در دوره اخیر، میزان اثرگذاری تحریم‌ها بر ایران در نقطه حضیض خود قرار دارد. افزایش میزان تجارت خارجی ایران و از آن مهم‌تر، افزایش میزان صادرات نفت خام ایران، اثبات‌کننده این واقعیت است. بررسی تجربه دوره‌های قبل و سه سال اخیر نشان می‌دهد که آمریکا برای گذر از این برهه و بازگرداندن نظام تحریم‌ها به نقطه اوج، به زمان احتیاج دارد.

هدف دوم، پاک کردن گذشته منفی آمریکا، بدون پرداخت کوچک‌ترین هزینه و قرار گرفتن آمریکا در نقطه هم‌تراز ایران در مذاکرات است. آمریکا در حال حاضر برای ایجاد اجماع علیه ایران نیازمند ترمیم چهره خود به عنوان یک کشور ناقض تعهدات است.

این احیای وجهه برای آمریکا در دوره بایدن بسیار اهمیت دارد. ایده توافق موقت می‌تواند با پاک کردن گذشته بدون پرداخت هزینه آن، یک مبدأ زمانی جدید در پرونده هسته‌ای ایران محسوب شده و از این طریق، یک قدرت مانور برای آمریکا در راستای ایجاد اجماع علیه ایران ایجاد شود.

هدف سوم، دامن زدن به پدیده «اجتماعی شدن مذاکره» و همچنین شرطی‌سازی اقتصاد کشور است. اساساً یکی از ویژگی‌ها و کارکردهای هرگونه توافق موقت با طرف‌های غربی، شرطی شدن جامعه و گره خوردن اصلاحات اقتصادی به بحث مذاکرات و توافق است.

لذا طرح توافق موقت از سوی غرب، با سیاست‌های کلی نظام تطابق ندارد.



۱۰ تحول رویکردی در ۱۰۰ روز

تنها چند روز از صدمین روز تشکیل دولت سیزدهم گذشته است و در این چند روز شاخص‌هایی از خدمات دولت سیزدهم در بیش از سه‌ماه گذشته که عموماً جنبه اجرایی و عملیاتی دارد در رسانه‌ها مورد توجه و بحث قرار گرفته است، اما در کنار اقدامات مؤثر و خدمات ارزنده اجرایی، دولت توانست در ۱۰۰ روز گذشته پایه‌گذار برخی تحولات رویکردی هم باشد. در ادامه به ۱۰ تحول رویکردی در ۱۰۰روز حیات دولت سیزدهم اشاره می‌شود:

۱-تغییر جهت جریان اجرایی کشور به‌سمت رویکرد انقلابی: خروج دولت از خودنگی و ناامیدی در داخل با اتکا به ظرفیت‌های موجود و باورهای انقلابی و همچنین فاصله گرفتن از بی‌تدبیری در موضوعات مهم و راهبردی. سر دست گرفتن شعارهای اصلی انقلاب با صراحت و افتخار و مدیدن روحیه استقامت و پایداری در بدنه اجرایی کشور. برگرداندن نظام اجرایی کشور به ریل انقلاب. ۲- از میان رفتن فاصله میان مردم و کارگزاران اجرایی. کوتاه شدن فاصله مرکز و پیرامون و عزم جدی برای نظارت میدانی و حل مشکلات مردم در دست‌ترین مناطق. تلاش برای مردمی کردن دولت و پایان یافتن روحیات سلطانی و خود ژنرال‌بنداری در صدر دولت. تبدیل عرصه مدیریت کشور به میدانی برای کار شبانه‌روزی و بی‌وقفه همراه با پویایی و نشاط. ۳-واکنش سریع با کم کردن فاصله بین زمان بروز بحران در اقصی نقاط کشور تا زمان حضور مسئولان ارشد در محل رویداد. در بحران‌ها با شخص رئیس‌جمهور و یا معاون اول و سایر مسئولان ارشد اجرایی کشور خود در صحنه حضور یافته‌اند. بحران توزیع بنزین در ماجرای اختلال در سامانه سوخت، زلزله ایذه، زلزله فین، تجمع آبی در اصفهان و... در بعضی از این حوادث سرعت حضور مدیران ارشد دولت حتی از مسئولان متولی رسیدگی به بحران بیشتر بوده است. به‌عنوان نمونه در ماجرای زلزله فین، معاون اول رئیس‌جمهور ۵ ساعت بعد از بروز زلزله در منطقه حاضر شد. ۴-تحول در نمادهای دولت به نفع نمادهای انقلاب. تغییر نماد دولت از کاخ سعدآباد به انتهای خیابان پاسپور. تحول در شیوه اداره اجرایی کشور از ویونیوکراس به حضور میدانی. اولویت دادن به بازدیدهای میدانی از نقاط محروم با هدف رفع مشکلات و محرومیت‌ها. همنشین شدن با مستضعفان و محرومان و صاحبان اصلی انقلاب در دیدارها و مناسبت‌ها.

۵-سیاست‌ورزی با حاکمیت روحیه اخلاقی در مناسبات اجرایی کشور و پرهیز از تندگویی و گزندگی با نیروهای درون انقلاب. بالا بردن صبر و تحمل دولت در برابر انتقادات و تلاش برای شنیدن صدای منتقدین که نمونه روشن آن سه نشست صمیمی رئیس‌جمهور با رسانه‌های منتقد دولت در چند ماه اخیر است. ۶- روان‌سازی واحیاي شون نظامات اجرایی. ابلاغ مصوبات بر زمین مانده مجلس شورای اسلامی جهت اجرا. برگزاری جلسات تعطیل شده شورای عالی، همکاری و انسجام در رقوای سه گانه. مشورت‌پذیری در موضوعات راهبردی. در میان گذاشتن تصمیمات مهم با مردم قبل از اجرا. ادای احترام به مجلس شورای اسلامی و تعامل با آن به‌عنوان مشاور دلسوز در شرایط عدم رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی دولت.

۷-تحول در رویکردها با اولویت بخشیدن به مشکلات اساسی مردم. برنامه‌ریزی برای کاهش یکی از مهم‌ترین آلام مردم در زمینه مسکن در سراسر کشور با نهضت ملی مسکن. اولویت دادن به حل مشکل مرگ‌ومیر مردم با واردات گسترده واکسن و کاهش چشمگیر تلفات انسانی. ۸-تغییر رویکرد در عرصه دیپلماسی بر پایه حفظ اصول و عزت. اولویت یافتن ارتباط با همسایگان و سایر بازیگران منطقه‌ای و پایان یافتن باور به مرکزیت غرب در تعاملات بین‌المللی. پایان کرنش در برابر قدرلار بین‌المللی در عرصه دیپلماسی که نمونه آن را در مذاکرات اخیر وین همه دنیا شاهد بود. جایگزینی رویکرد اتکایی (به ظرفیت‌های داخلی) به‌جای رویکرد انتظاری (نشستن به انتظار غرب).

۹-اعتماد به جوانان در نظام اجرایی و مدیریتی‌های کلان. جوان‌سازی ترکیب کابینه و اعتماد به مدیران اجرایی جوان و زمینه‌سازی برای تجربه‌اندوزی و تربیت کادر انقلاب در سال‌های آینده. ۱۰- پرهیز از خودبستگی و فعال کردن ظرفیت‌های نخبگانی برای حل مشکلات کشور. دست دراز کردن به‌سمت دانشگاه‌ها و مجتمع کارشناسی. جلسات مستقیم رئیس‌جمهور با اقتصاددانان و صاحب‌نظران.

۱۰- پرهیز از خودبستگی و فعال کردن ظرفیت‌های نخبگانی برای حل مشکلات کشور. دست دراز کردن به‌سمت دانشگاه‌ها و مجتمع کارشناسی. جلسات مستقیم رئیس‌جمهور با اقتصاددانان و صاحب‌نظران.